

بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران موردپژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار*

علمی پژوهشی

محیا حق شناس**

پیروز حناچی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

در زندگی امروز، خانه همچنان مامن و محل آرامش و آسایش هر فرد به حساب می‌آید، اما میزان این بهره‌مندی در گونه‌های متنوع خانه، متفاوت است. وجود خانه‌های تاریخی و حضور در این خانه‌ها و شنیدن خاطرات نسل‌های قدیمی‌تر و بررسی دیدگاه صاحب‌نظران در حوزه نقد آثار معماری، روشن می‌سازد که چرا بسیاری از معماران در حال حاضر، به دنبال شناخت کیفیت‌هایی در آن خانه‌های سنتی هستند. در این مقاله، نگارندگان پس از معرفی و بررسی عوامل مؤثر بر تغییر و تحول در معماری مسکونی سنتی ایران، به نحوه شکل‌گیری شهر جدید لار با عنوان «شهر بدون کوچه» پس از زلزله سال ۱۳۳۹ و هم‌زمان با ورود اصول شهرسازی و معماری نوین به ایران در دوره پهلوی دوم می‌پردازند. روش این تحقیق در بخش اول، مطالعات کتابخانه‌ای و استنادی و در بخش دوم، بررسی میدانی و جمع‌آوری و مقایسه گونه‌های مختلف مسکن در شهر لار بوده است. نتایج نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی از ابتدای قرن سیزدهم در ایران آغاز شد و اگرچه اغلب سرمنشائی خارج از فرهنگ داخلی داشته، پذیرش تدریجی و یا بعضاً تحمیل آن‌ها در سبک زندگی مردم، زمینه بروز و ظهور تغییرات کالبدی مسکن در یکصد سال اخیر را به وجود آورد. در این میان، مداخلات دولت در نوسازی شهری و ساخت مسکن انبوه، به پشتوانه درآمد نفتی، بیشترین تأثیر را بر تغییر شکل شهرها داشته است. همچنین، گونه‌شناسی الگوی خانه در شهر لار، در طول صد سال گذشته، نشان داد که در الگوهای مسکونی اخیر، خلاقیت‌های مردمی ناشی از تجربه زیست در خانه‌های سنتی و نبوغ طراحان در معماری خانه‌های ضد زلزله، به کلی نادیده گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها:

معماری مسکن، فرهنگ خانه، معماری معاصر، زلزله لار.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان تبیین شاخص‌های کیفی مسکن در معماری معاصر ایران (نمونه موردی اقلیم گرم و خشک) در رشته معماری به راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.

** دانشجوی دکتری معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول، Mahya.hagh@gmail.com
*** استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

پرسش‌های پژوهش

۱. تأثیرات متقابل میان تغییر کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر در ایران کدام‌اند؟
۲. کدام عوامل بر تغییر کالبدی و فرهنگی مسکن طی یکصد سال اخیر در شهر لار تأثیر داشته‌اند؟

مقدمه

بدون شک، خانه ملموس‌ترین شکل معماری است که هریک از ما آن را می‌شناسیم و معانی نهفته در آن را تجربه کرده‌ایم. تحقیق درباره موضوع معماری خانه نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشگران و صاحب‌نظران با طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها و با رویکردهای متنوع با آن مواجه شده‌اند؛ برخی از بزرگان معماری ایران نیز که خود تجربه زیست در الگوهای متفاوت از خانه در طول سده اخیر را داشته‌اند، درک عمیق‌تری از ویژگی خانه‌های سنتی و نحوه تغییر و تحول در مفهوم و معماری خانه را ارائه می‌دهند.

میل به تغییر و نوخواهی امری ذاتی است و سنت تا پیش از قرن حاضر و در طول حیات خود، دائماً نیروهای درونی و بیرونی را در خود حل کرده و ارتباط دوسویه مؤثری بین مقتضیات انسانی و کالبد معماری برقرار کرده است. در ابتدای قرن، معماران سنتی که هنوز به منبع غنی سنت اتصال داشتند، نوعی معماری را ارائه دادند که نیمه‌سنتی و جالب توجه است؛ به تدریج و بر اثر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، کیفیت از خانه‌ها رخت بریست و آنچه امروز برایمان باقی مانده، مشتی عدد و رقم است (بهشتی ۱۳۹۵). همچنین در شهرهایمان، نه معماری مسکونی که ساختمان‌سازی بدون معماری فراگیر شده است (حائری ۱۳۷۵). در این میان، مقصر دانستن تنها یک عامل در این دگرگونی‌ها، در حقیقت نادیده انگاشتن نقشی است که سایر عوامل داشته‌اند.

از طرفی، در دهه‌های نخست قرن حاضر و با اعمال سیاست‌های قهری دولت، بخشی از کالبد محلات مسکونی، ابتدا در شهرهای بزرگ و به دنبال آن در سایر شهرها از بین رفت؛ این در حالی است که در شهر لار، عامل طبیعی زلزله، باعث تخریب خانه‌های خشتی حیاط‌مرکزی و شروعی بر ایجاد الگوی جدید از معماری مسکونی در این شهر شد؛ که اگرچه مانند الگوی پیشین نبود، به دلیل تمهیدات ضد زلزله و توجه به برخی خصوصیات فرهنگی زندگی خانوادگی، مورد استقبال مردم قرار گرفت. در ادامه، الگوهای مسکونی دیگری رواج یافت، از جمله خانه‌های یک و دوطبقه با ضابطه ۶۰ درصد سطح اشغال و همچنین مجموعه‌های آپارتمانی کوتاه و بلندمرتبه؛ که البته در آن‌ها دیگر نه از شاخصه‌های اقلیمی و فرهنگی در خانه‌های حیاط‌مرکزی خبری است و نه از طراحی‌های ایمن در خانه‌های ضد زلزله.

۱. روش تحقیق

در بخش اول این مقاله، تلاش نویسندگان بر آن بوده تا ضمن شناخت تحولات کالبدی و فرهنگی معماری مسکونی، نحوه تعامل میان عوامل مؤثر در بروز این تغییرات جدید در یکصد سال اخیر ایران، بررسی شود که با مطالعات کتابخانه‌ای و روش استنادی محقق شد. در این میان، برخی از عوامل مؤثر بر تحول کالبدی و فرهنگی خانه ناشی از مداخله مستقیم دولت‌های خارجی در ایجاد روش‌های جدید شهرسازی و معماری و تغییر سلیقه مردم و برخی دیگر ناشی از رشد و میل ذاتی به تغییر و نوخواهی در میان ایشان بوده است که در این مقاله، تحت عنوان عوامل خارجی و داخلی بررسی شده است.

در بخش دوم و برای گونه‌شناسی مسکن در شهر تاریخی لار، مستندات مربوط به هر گونه، در محل جمع‌آوری و از طریق مشاهدات میدانی و مصاحبه با افراد محلی، تدقیق شده است. از آنجایی که ساخت‌وسازهای دولتی در قالب مسکن انبوه، بیشترین تأثیر را بر شکل شهر گذاشته است، پس از برداشت بیش از ۲۰ نمونه از خانه‌های سنتی حیاط‌مرکزی، نمونه‌هایی از خانه‌های ضد زلزله که توسط جمعیت شیر و خورشید در دوران حکومت پهلوی دوم ساخته شد، و نمونه‌هایی از خانه‌های یک یا دوطبقه ساخت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و بلوک‌های آپارتمانی در قالب مسکن

مهر، جمع‌آوری و بررسی شد. در نهایت، از میزان تأثیرگذاری هریک از عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در بخش اول بر شکل‌گیری الگوهای جدید مسکن در لار نتیجه‌گیری به عمل آمد. این نکته قابل ذکر است که عوامل مورد بررسی در بخش اول در بالادست عوامل مؤثر بر تحولات مسکن در شهر لار قرار دارد و غالباً به تحولات فرهنگی و کالبدی در شهر تهران و دیگر شهرهای بزرگ اشاره دارد که برخی از آن‌ها محدود به پایتخت و کلان‌شهرها شده و برخی دیگر با تأخیر زمانی و پس از چند دهه به سایر شهرها از جمله شهر لار تسری یافته است. به علاوه، در شهر لار، زلزله عامل اصلی ایجاد شهر جدید در کالبدی کاملاً متفاوت با بافت سنتی شهر قدیم بوده است، لیکن بسیاری از عوامل شناخته‌شده در بخش اول، بیشتر بر پذیرش کالبد جدید و توسعه آن در سال‌های بعد مؤثر بوده است.

۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی، زیبایی‌شناسانه خانه یا همان «فرهنگ خانه» امکان‌پذیر است. «فرهنگ خانه» دربردارنده ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی مسکن در هر جامعه معین است. خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا»، از دیدگاه هنری «نماد»، از دیدگاه جامعه‌شناسانه «نهاد»، از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا» یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است که تمام ابعاد مذکور را در بر دارد (فاضلی ۱۳۸۶، ۲۷). در واقع فرهنگ خانه، دیدگاه کل‌نگر به تمام جوانب معماری خانه است. هنری لوفوهر^۱ تولید اجتماعی فضاها را در سه محور اصلی که «سه‌گانه فضایی»^۲ نامیده می‌شود، تحلیل می‌کند (Mahmoud 2016, 202): فضای درک‌شده^۳ (فضاهایی که مربوط به زندگی روزمره و فعالیت‌های عمومی است)، فضای تصورشده^۴ (فضاهایی حرفه‌ای که در آن حداکثر دانش و نبوغ طراحان و معماران به نمایش گذاشته می‌شود)، فضای زیست‌شده^۵ (فضاهایی که به زندگی انسان‌ها ارتباط دارد و در آن‌ها خلاقیت مردم عادی دارای قدرتی است که از دو فضای اول پیشی می‌گیرد). از این نظریه در مقایسه خانه‌های ساخت دولت، معماران و مردم عادی استفاده خواهد شد.

نگاهی به تاریخ ایران پس از مشروطه، نشان می‌دهد که تا اواخر دوران قاجار، در خانه‌های طبقه متوسط وضع بسان قبل بود؛ هنوز حیاط فضایی مستقل و اصلی بود که در میانه آن حوضی قرار داشت و آب و آسمان و درخت را به خانه هدیه می‌داد. به تدریج در خانه‌های اشراف و متمولان، بارقه‌های مدرنیسم در تزیینات پیدا شد؛ لیکن اسلوب کلی خانه‌ها بر همان سیاق قبلی بود. رفته‌رفته این تأثیرپذیری از تزیینات به مبلمان و به عبارتی انتظام فضاها سرایت کرد و سپس به اسلوب خانه نیز راه یافت. آمدن میز و صندلی و لوستر و شومینه و... هرچند در ابتدا معنی‌ای جز همان تزیینات نداشت، ناخودآگاه عاملی شد بر تحول سبک زندگی (بهشتی ۱۳۹۵). در تصویر خانه‌های پهلوی اول، حتی محقرترین آن‌ها، خانه هنوز با حیاط و حوض و درخت و ایوان پیوند دارد، اتاق‌ها با کارکردهای معین تعبیه نشده است؛ مانند خانه‌های سنتی، بازشوها عمدتاً رو به حیاط بوده و با فضای خیابان کمتر مرتبط است و از نمای بیرون عمدتاً تنها فضای ورودی طراحی و تزیین شده است. در این دوره، معماران سنتی با الگوبرداری از ساختمان‌های مهندسان مطرح، نکته‌هایی را با دانسته‌های خود آمیخته و ماحصل آن با شیوه زیست ساکنان آن روزگار تطابق حداکثری داشت (آقالطیفی و حجت ۱۳۹۷). در ادامه، گونه‌ای از مسکن رواج یافت که کمتر حالت درون‌گرایی داشت؛ مانند گذشته به خیابان پشت نکرده و حتی دارای پنجره است. در عین حال، این مسکن دارای دری جدا از درب حیاط است که مستقیماً به سرسرای خانه راه دارد و ساکنان بدون نیاز به تردد از حیاط، به داخل فضای خانه راه می‌یافتند. به علاوه، گونه‌های دیگر مسکن، از جمله خانه‌باغ‌ها در شهرهای نفتی، آپارتمان‌های کوچک در طبقه بالای واحدهای تجاری در خیابان‌های نوساز پهلوی، خانه‌های دوبلکسی، کوی‌ها و آپارتمان‌های مسکونی با اعتبار دولتی، خانه‌های سازمانی و... توسط معماران حرفه‌ای یا بخش دولتی یا سازندگان غیرحرفه‌ای ساخته شد. در مجموع، عوامل مؤثر بر این تغییرات کالبدی گاه ناشی از اعمال سیاست‌های جدید حکومت و تغییر سبک‌های معماری بوده که تأثیرات خود را در زمان کوتاه‌تری نشان داده است؛ و گاهی نیز ناشی از نخواستگی مردم و تغییر در تقاضای جامعه بوده که به تدریج رخ داده است. در نهایت، موضوع خانه ایرانی

و فرهنگ زندگی، در میان پژوهشگران ایرانی و خارجی، از دیدگاه‌های متنوعی دیده و ارزیابی شده است که به‌اختصار در جدول ذیل آمده است؛ هرچند مسائل بسیاری باقی مانده است تا بتوان ارزیابی جامعی از این موضوع انجام داد.

جدول ۱: مجموعه تحولات مسکن و فرهنگ خانه در یکصد سال اخیر ایران از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی

تحول در معماری مسکن	صاحب‌نظران	تحول در فرهنگ خانه	صاحب‌نظران
سیاست‌نویسی شهری	اعتصام (۱۳۷۷)، آق‌اطیفی و حجت (۱۳۹۷)، کریمی (۲۰۰۹)	کشف حجاب اجباری	طالبی (۱۳۹۳)، زائری (۱۳۹۳)
تولید مسکن انبوه	بهشتی (۱۳۹۵)، بستکی (۱۳۷۵)، دشتی (۱۳۷۹)	افزایش جمعیت شهرها	بهشتی (۱۳۹۵)، طالبی، حجت، و فرضیان (۱۳۹۳)، حسن‌پور (۱۳۹۵)
مسکن در شهرهای نفتی	رستم‌پور (۱۳۹۵)، کریمی (۲۰۰۹)	ظهور طبقات اجتماعی	کریمی (۲۰۰۹)، کرینسون (۲۰۰۳)
مسکن طبقه متوسط	بستکی (۱۳۷۵)، طالبی، حجت، و فرضیان (۱۳۹۳)	ترویج خانواده هسته‌ای	فاضلی (۱۳۸۶)، پوردیپیمی (۱۳۹۱)
سبک‌التقاطی در مسکن	حجت و آق‌اطیفی (۱۳۸۹)، کیانی (۱۳۸۳)، دشتی (۱۳۷۹)	بازتعریف هویت ملی	بانی‌مسعود (۱۳۸۷)، کریمی (۲۰۰۹)، میری‌نژاد (۱۳۹۲)
تکنولوژی ساخت	بهشتی (۱۳۹۵)	تغییر در آموزش معماری	حجت (۱۳۸۱)، حجت و آق‌اطیفی (۱۳۸۹)، طالبی (۱۳۹۳)، حسن‌پور (۱۳۹۵)
تغییر در انتظام فضایی خانه	ابراهیمی (۱۳۹۶)، بهشتی (۱۳۹۵)، قاسم‌زاده (۱۳۸۹)، آق‌اطیفی و حجت (۱۳۹۷)	تغییر در مفاهیم بهداشت	کریمی (۲۰۰۹)
تغییر در تزیینات خانه	کریمی (۲۰۰۹)، فاضلی (۱۳۸۶)، آق‌اطیفی و حجت (۱۳۹۷)	تغییر در تعاریف زیبایی	طالبی (۱۳۹۳)، حسن‌پور (۱۳۹۵)، نجم‌آبادی (۲۰۰۵)، علیزاده (۱۳۹۵)
استفاده از مبلمان ثابت	حائری (۱۳۷۵)، بهشتی (۱۳۹۵)	گسترش فرهنگ مصرف	خدایار (۱۳۵۳)، غروی (۱۳۸۸)، صادقی (۱۳۹۳)، طالبی (۱۳۹۳)

۳. عوامل خارجی مؤثر بر تحول معماری و فرهنگ خانه در یک قرن اخیر

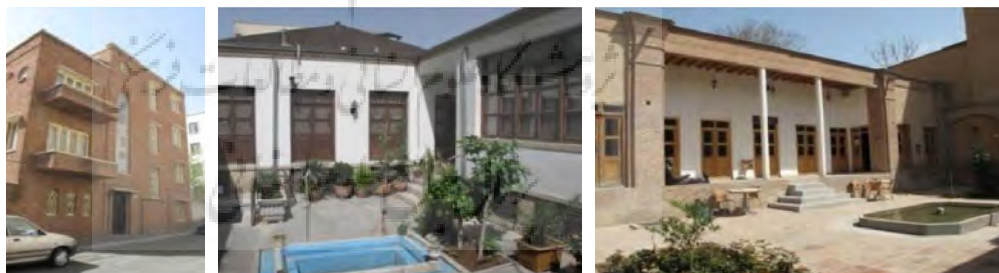
از ابتدای قرن حاضر و با شروع دوران پهلوی تحولات وسیعی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران به وقوع پیوست. تمرکز روزافزون قدرت و نظام کشوری، جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اجرای برنامه‌های توسعه و افزایش مبادلات اقتصادی و فرهنگی با غرب نمونه‌هایی از این تحولات بودند که اثرات جمعیتی، کالبدی و فرهنگی وسیعی بر جای گذاشتند (طالبی، حجت، و فرضیان ۱۳۹۳، ۲۴). البته شروع برخی از این تحولات را می‌توان از قرن پیش و در زمان حکومت قاجار جست‌وجو کرد. حضور مستشاران، مبلغان دینی و متخصصان غربی در ایران و تعامل ایشان با عموم مردم و ارائه سبک متفاوت زندگی، حضور معماران خارجی در ایران و اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور، ساخت شهرک‌های جدید مسکونی توسط شرکت‌های صنعتی و نفتی، آموزش اصول نوین بهداشت و سبک خانه‌داری در مدارس و مجلات معماری و نشریات زنان، از جمله عوامل خارجی مؤثر بر تغییر سبک زندگی و معماری خانه هستند که در ادامه به شرح بیشتر آن پرداخته خواهد شد.

۳.۱ حضور معماران خارجی و بازگشت معماران تحصیل‌کرده ایرانی

با اینکه اولین معمار-طراحان تحصیل‌کرده ایران در غرب، در اواخر دوره قاجار شروع به کار طراحی کردند، زمان شکل‌گیری و گسترش رسمی پدیده معمار-طراح (آرشیست) را می‌توان از حوالی سال ۱۳۱۴ش به‌بعد و با تأسیس

اولین دانشکده معماری ایران - مدرسه هنرهای زیبا- در اوایل دهه بیست دانست که به سبک مدرسه هنرهای زیبای پاریس اداره می‌شد (میری‌نژاد ۱۳۹۲، ۹۵). دهه‌های سوم و چهارم قرن حاضر، نه‌تنها زمان حضور معماران خارجی، بلکه فضایی برای حضور معماران ایرانی تازه فارغ‌التحصیل از داخل و خارج از کشور نیز بود که دغدغه تغییر و تحول در کشور را داشتند. بدین ترتیب معماران جدید، با آموزش مدرن، عملاً پیشگامان تغییر شدند و با خلق انواع جدید مسکن- در ابتدا برای برای گروه‌های خاص- تحول معماری مسکونی را رقم زدند. از جمله شاخص‌ترین این معماران، وارطان هوانسیان بود که در شکل‌گیری برخی گونه‌های مسکونی از جمله آپارتمان‌های مسکونی به‌عنوان مفهومی جدید مؤثر بود (آقالطیفی و حجت ۱۳۹۷، ۴۵). بدین ترتیب، در این دوران به‌تدریج معماری عرصه معماری کشور را در اختیار گرفتند که در ساحت معماری مدرن پرورش یافته بودند و شاهد ایجاد موج جدید از خانه‌های هم‌سبک در شهر تهران بوده‌ایم، این بناها، برون‌گرا و دارای فضاسازی مدرن هستند و از احجام و اشکال خالص بهره می‌گیرند. ساختمان اصلی کاملاً با حیاط در ارتباط است و اتاق‌ها نیز دارای عملکرد معینی است، لیکن فرهنگ سکونت سبب شد تا در این دوران هنوز به‌شیوه نیمه‌سنتی از فضاها بهره‌برداری شود (تصویر ۱).

درحالی‌که برخی از معماران در دهه‌های میانی قرن با آثار خود، به معماری تاریخی ایران اعتبار بخشیدند، برخی دیگر از معماری مسکونی سنتی به‌دلیل عدم توجه به راحتی، بهداشت و کارایی انتقاد می‌کردند. این گروه از معماران، در سرمقاله افتتاحیه مجله آرشیستیک (۱۳۲۵)، بر سادگی به‌عنوان ویژگی اساسی خانه مدرن ایرانی تأکید کردند و با تمرکز گسترده بر ایده‌های مدرنیستی (رایج در معماری مسکونی اروپایی بین دو جنگ جهانی) خانه‌هایی طراحی کردند که آن‌ها را در سه دسته‌بندی می‌توان آورد: اول ویلاهای تک‌خانوار و دوبلکسی که اغلب در وسط یک باغ واقع شده‌اند، دوم خانه‌های دوطبقه تک‌خانوار که نمای آن رو به خیابان است و سرانجام، خانه‌های آپارتمانی کوچک‌مقیاس که بالای واحدهای تجاری رو به خیابان اصلی ساخته شدند. در نهایت، می‌توان افت کیفی خانه در دوران معاصر را به دلایلی همچون «عدم توجه کافی طراحان مدرن به نیازهای واقعی کاربر به‌دنبال تست ایده‌های نوآورانه و توانایی‌های هنری خود، تخصص‌گرایی و تفکیک نقش‌های طراح، پیمانکار و کارفرما و کاربر، عملکردگرایی و تجزیه عرصه‌های زندگی، عدم توجه به تنوعات و گوناگونی نیازهای بشری با توجه به فرهنگ، طبقه اجتماعی، نژاد، نسل و... و همچنین نگاه کمی به انسان و نیازهای او» نسبت داد (غروی ۱۳۸۸).



تصویر ۱: نمونه‌هایی از مسکن دهه‌های نخستین قرن در تهران (آقالطیفی و حجت ۱۳۹۷)

۲.۳. ظهور معماری طبقاتی در شهرک‌های جدید مسکونی

از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش و هم‌زمان با ملی شدن صنعت نفت، آبادان توسعه عظیمی به‌منظور خانه‌دار کردن شاغلان و متخصصان نفتی پیدا کرد. خانه‌های ویلایی با محوطه سبز خصوصی در مناطقی چون بریم و بوآده^۷ با الهام از جنبش‌هایی چون «شهر زیبا» و «شهر سبز» در آن زمان ساخته شد؛ باغ‌شهرهای آبادان نسبت به بسیاری از شهرهای ایران پیشروتر بوده و در بسیاری از سفرنامه‌ها و نشریات داخلی و خارجی، به‌خوبی درخشد. هرچند در شماره نخست مجله آرشیستیک در سال ۱۳۲۵، دید هوایی زیبایی از محلات باغشهری آبادان نمایش داده شده است و روش

مناسی برای این گمان اشتباه بود که پیشرفت در شهرهای صنعتی با خود نظم اجتماعی، انضباط و توازن به همراه آورده است؛ لیکن این نمایش، در تضاد کامل با زندگی مردم و آشفتنگی نابرابری سیاسی- اجتماعی بود که در تفاوت میان سکونتگاه‌های طبقات مختلف اجتماعی دیده می‌شد (تصویر ۲). منوچهر فرمانفرمائیان^۱ (۱۹۹۷) به شرح زندگی کارگران در زاغه‌ای به نام کاغذآباد می‌پردازد و آن را با باغ‌شهرهای آبادان مقایسه می‌کند. مارک کریسون^۲، تاریخ‌شناس معماری نیز می‌نویسد: «خانه‌ها همانند شاغلین در شرکت‌ها به سه طبقه تقسیم می‌شدند: خانه‌های تمام‌مبله برای مدیران، خانه‌های نیمه‌مبله برای کارمندان، خانه‌های بدون مبلمان برای کارگران شاغل؛ همچنین در طبقه چهارم، بسیاری از کارگران قراردادی بودند که شرکت مسئولیتی در قبال آن‌ها نداشت و در زاغه‌هایی مانند کاغذآباد زندگی می‌کردند.» در واقع، برخلاف پیشرفت چشمگیر آبادان، مدل‌های جدیدی از تفکیک محلات بر اساس طبقات اجتماعی به وجود آمد (Karimi 2009, 90). این در حالی است که در محلات سنتی، تمام خانه‌ها چه بزرگ و چه کوچک، فارغ از میزان توانایی مالی ساکنان، در هم‌نشینی با یکدیگر قرار داشتند، از یک الگوی ساخت (برای مثال حیاط مرکزی) تبعیت کرده و نمای عمومی آن‌ها اغلب خشتی و بدون ظاهرسازی بوده و تزیینات به داخل خانه برده شده بود. لیکن امروزه تفکیک محلات بر اساس طبقات اجتماعی و میزان درآمد ساکنان، در سایر شهرهای بزرگ و نیز برخی شهرهای کوچک رواج یافته است.



تصویر ۲: نمایی از خانه کارگران و کارمندان در محلات بریم (سمت راست) و بورده (سمت چپ) در آبادان (مجله آرشیوتکت ۱۳۲۶)

۳.۳. تغییر مفاهیم پاکیزگی به بهداشت و القای تدریجی ایده خوب زندگی کردن^۱

توجه مبلغان به خانه و زندگی خانوادگی ایرانیان، بخشی از یک مأموریت بزرگ‌تر «متمدن کردن» بود، که تلاش می‌شد تا نظریه‌پردازی‌های مدرن درباره بهداشت و مدیریت خانه، جایگزین عادت‌ها و روش‌های سنتی و در نهایت، آزادسازی جامعه عقب‌مانده از چنگال خرافات شود.^{۱۱} برای مثال، پایگاه مبلغان در مشهد یک محله مسکونی بود که در سال‌های ۱۲۹۸ش به‌بعد ساخته شد و شامل بیمارستان، کلیسا و مدرسه بود و از یک شبکه‌بندی عمود بر هم پیروی می‌کرد که در تضاد کامل با ظاهر فشرده و ارگانیک سنتی شهر بود. چیدمان فضایی در خانه‌های مدرن آن سبک‌های متفاوتی از روابط خانوادگی و حریم خصوصی راه نسبت به آنچه در خانه‌های درون‌گرای حیاط مرکزی ایرانی دیده می‌شود، پیشنهاد می‌داد. برخلاف خانه‌های ایرانیان، خانه‌های مبلغان، ساده، کارآمد، کاربردی و عاری از تزیینات گسترده بود و فضاهایی مثل اتاق مطالعه، اتاق پیانو و در بعضی موارد حیاط، بازی بسکتبال را برای اوقات فراغت ارائه می‌کرد که تا آن زمان در خانه‌های ایرانی ناشناخته بود. مبلغان دینی با مردم عادی در ارتباط بودند و عادت‌های فرهنگی، سلیقه و روش زندگی خانوادگی آن‌ها را می‌شناختند. در برخی شهرها افراد فقیر از مشارکت مبلغان در حل مشکلات بهداشتی تقدیر می‌کردند؛ به‌علاوه، طبقات اجتماعی بالا و طبقه متوسط نوظهور نیز به سبک زندگی مبلغان و دانشی که در مراکز آموزشی ارائه می‌شد، جذب می‌شدند و در نوع پوشش و سبک زندگی شبیه به ایشان رفتار می‌کردند (Karimi 2009). تغییر در سبک زندگی و تمایل به نوخواهی سبب تغییرات تدریجی در معماری خانه‌ها شد، اما این تغییرات تدریجی در معماری بومی به‌گونه‌ای هضم شد که خانه‌های اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی همچنان حال و هوای معماری ایرانی را دارند.

۳.۴. آموزش شیوه‌های نوین خانه‌داری در مدارس دینی

بحث آموزش زنان در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی توسعه پیدا کرد و از دهه اول قرن بیستم بود که زنان حق تحصیل دختران را گرفتند و به صورت خستگی‌ناپذیر درباره آموزش زنان در مجلات نوشتند؛ در ابتدا تمام مدارس دخترانه توسط بانوان و اغلب در محل زندگی خودشان تأسیس می‌شد. در ایران و از نیمه دوم قرن سیزدهم شمسی، جوامع دینی غربی، با تأسیس مدارس، فعالیت خود را گسترش دادند و اگرچه در ظاهر تلاشی برای تغییر دین و آیین مردم نداشتند، تأثیر زیادی بر تغییر سبک زندگی خانوادگی در ایران داشتند. از نظر مبلغان دینی، داشتن هنر خانه‌داری برای دختران تحصیل کرده یک ارزش محسوب می‌شد، لذا رشته «هنرهای خانه‌داری» اولین بار در سال ۱۲۳۰ ش، در یک مدرسه دینی دخترانه آمریکایی، در شمال غربی ارومیه تدریس شد و بعدها به موضوعاتی همچون طراحی، ترکیب و تجهیز مناسب یک خانه گسترش پیدا کرد. مدارس دینی فرانسوی، برنامه آموزشی شامل دوخت‌دوز، اتوکشی و خانه‌داری را علاوه بر آموزش زبان، تاریخ و جغرافیای فرانسه ارائه می‌داد؛ مدارس دینی بریتانیایی وابسته به کلیسا بر شهرهایی مانند اصفهان، کرمان، یزد و شیراز و مدارس دینی فرانسوی و آمریکایی در شمال و شمال غرب ایران مانند شهرهای تهران، همدان، تبریز و مشهد تمرکز داشتند. در سال ۱۲۴۳ ش، برای اولین بار در برنامه درسی مدرسه دخترانه دولتی ایران، درسی با عنوان «تدبیر منزل» ارائه شد که ترجمه میرزا عزیزالله خان از یک کتاب درسی از مدرسه دخترانه فرانسوی بود.

۳.۵. واردات انبوه تولیدات صنعتی خانگی

بعد از جنگ جهانی دوم، اروپا با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو شد و به دنبال بازار مصرف‌کننده در میان کشورهای غیرصنعتی برای ارائه محصولات صنعتی خود بود. ورود میلمان و لوازم خانگی صنعتی به خانه‌های سنتی باعث شد که این اشیاء جای بعضی فضاها را در انتظام فضایی خانه بگیرند؛ برای مثال سرداب، پاسخ فضایی معماری سنتی به تأمین آسایش حرارتی در نگهداری برخی مواد غذایی و استراحت ساکنان در روزهای گرم تابستان در اقلیم گرم و خشک بوده است، لیکن با ورود یخچال و کولر، وجود این فضاها در معماری خانه زاید و اضافی می‌نمود. از سویی دیگر، استفاده از میلمان ثابت، باعث تغییر ماهیت فضاهای چندعملکردی به تک‌عملکردی شد. بهشتی (۱۳۹۵) در این زمینه می‌گوید: «در گذشته فضای اصلی خانه دور حیاط مرکزی، اسم‌هایی داشت که بیشتر بر کیفیتشان دلالت می‌کرد تا بر عملکردشان؛ تالار، سهدری، پنج‌دري، شاه‌نشین، ایوان، بهارخواب، سرداب و... این نام‌ها بیشتر به حال‌وهوای فضا اشاره داشت تا به کارکردهای فضا؛ از میان این فضاها شاید تنها مطبخ باشد که بر عملکرد طبخ اشاره داشته است. اما پس از دهه چهل، فضاهای خانه را با نام‌هایی چون پذیرایی، ناهارخوری، اتاق خواب و آشپزخانه و... می‌شناسیم.» تخصصی شدن نام‌گذاری فضاها و وارد شدن اصطلاحاتی چون بالکن، تراس، اتاق خواب و... حاصل تحولات معماری مسکن در این دوره بود (اقاطیفی و حجت ۱۳۹۷، ۴۵). اما در دوران بعد از مدرن، بحث تجزیه عملکردها و همچنین جهان‌شمول بودن آن بین تمام ملل مورد انتقاد قرار گرفت و توجه و تأکید بر کثرت‌گرایی و تنوع در رد عملکردگرایی دوره مدرن آغاز شد (غروی ۱۳۸۸). لیکن، پست‌مدرنیسم مکتب بی‌مکتبی و بسیار گذرا و ناپایدار بود (حجت ۱۳۸۱) و با توسعه شهرنشینی، خانه بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش مانند محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و مهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل کار و البته تولید، همه‌چیز به‌جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرد (فاضلی ۱۳۸۶، ۴۱). با این حال و در نگاه درازمدت می‌توان پیش‌بینی کرد که انقلاب ارتباطات و تأثیر روزافزون آن بر شیوه زندگی، لزوم جابه‌جایی فیزیکی را کاهش داده و فضاهای مسکونی جهت ادغام فضاهای زندگی، کار، تفریح و... در آینده، انعطاف‌پذیری بیشتری را بطلبند (غروی ۱۳۸۸، ۸۳).

۴. عوامل داخلی مؤثر بر تحول معماری خانه

عدم رضایت ما از کیفیت معماری خانه‌ها، ما را به تأمل واداشته است و در صورتی که به ساده‌ترین جواب آن یعنی «مدرن شدن» راضی شویم، مقصری یافته‌ایم که خود را میرا بدانیم. این در حالی است که به‌جز ایران، هستند کشورهایی که در یکی دو قرن اخیر بسیار از تفکر غربی متأثر شدند، ولی به مشکلات امروزین ما دچار نشدند! مرور

تاریخ ایران نیز نشان می‌دهد که این مواجهه نیز یکی از بی‌شمار برخوردهای ایران با تفکری غیر خودی بوده است (بهشتی ۱۳۹۵، ۲۳۰). لذا تنها یک عامل خارجی را مقصر دانستن، تمام حقیقت را نشان نمی‌دهد و برای شناخت مسئله باید نگاهی به اتفاقات درون جامعه ایران نیز انداخت. در این قسمت به تحولاتی می‌پردازیم که ناشی از عوامل داخلی مؤثر بر معماری خانه از جمله سیاست‌های جدید و بعضاً تحمیلی دولت، تولید انبوه مسکن، نواخواهی و تغییر سلیقه مردم، فرهنگ مصرف‌گرایی و شیوه نوین آموزش معماران بوده است.

۴.۱. گرایش حکومت به بازتعریف هویت ملی و سیاست نوسازی شهری

اولین کتاب‌ها و مقالات جدی مربوط به تاریخ هنر و معماری ایران، در دوره پهلوی و توسط باستان‌شناسان و محققانی چون آندره گدار، پایه‌گذار مدرسه هنرهای زیبا در ایران، منتشر شدند (میری‌نژاد ۱۳۹۲، ۹۵). در قلمرو عمومی معماری، حکومت پهلوی اول به باززنده‌سازی سبک‌های عهد باستان (هخامنشی و ساسانی) شناخته می‌شود. این گرایش به باززنده‌سازی تاریخی بر معماری مسکونی نیز تأثیر گذاشت و از کاخ‌های رضاشاه شروع شد؛ البته اختلاط هویت ایرانی و عقاید غربی غالباً مبتدل و عجیب بود. در همان زمان، درست همان‌طور که بسیاری از بناهای عمومی و کاخ‌های قاجاری تخریب شدند تا بتوانند معماری جدید پهلوی را جایگزین کنند، بسیاری از خانه‌های سنتی حیاط‌مرکزی ایران نیز ویران شدند تا ایجاد زیرساخت‌های یک شهر مدرن را امکان‌پذیر سازند. در سال ۱۳۱۸ سفارت آمریکا تخمین زد که خانه‌های ویران‌شده توسط دولت بین ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ عدد متغیر است و در یک نامه متذکر شد که «گویی تهران در اثر زلزله ویران شده است» (Karimi 2009). وزارت کشور بنیان‌های قانونی برای این تغییرات را با وضع «قانون عریض‌سازی خیابان» در ۲۲ آبان ۱۳۱۲ پایه‌گذاری کرد. در حقیقت، فضای شهری دستخوش تحولاتی بود و برنامه نوسازی شهری رضاشاه، تغییرات اساسی در شهرهای کل کشور به همراه داشت. این تغییرات اگرچه از پایتخت و شهرهای بزرگ آغاز شد، پس از چند دهه در سایر شهرهای کشور نیز ادامه پیدا کرد؛ احداث راه‌های ارتباطی، یکپارچگی بافت تاریخی را از هم شکافت و زوال آن آغاز شد، میدان‌های قدیمی شهری جای خود را به پارکینگ‌ها داد، وحدت هم‌شکلی نظام خانه‌سازی در بافت ارگانیک و متوازن شهرهای تاریخی را از هم گسیخت. بسیاری از ساکنان اصلی این مناطق، خانه‌های خود را ترک کردند و واحدهای مسکونی نیمه‌خالی و متروک، وضعیت مناطق تاریخی را ناخوشایند کرد. اما از دهه ۱۳۴۰، نوعی تغییر سیاست و نگرش مثبت نسبت به مناطق تاریخی آغاز شد؛ یعنی زمانی که معماری و شهرسازی مدرن مورد سؤال قرار گرفت و از آن به‌شدت انتقاد شد (اعتصام ۱۳۷۷، ۵۵). حیثی آن گروه از معمارانی را که در برابر سبک بین‌الملل رایج در آن دوره، دغدغه‌های تاریخی داشتند، «نوسنت‌گرایان» نامیده و معتقد است «این گروه از معماران، متأثر از نقدی که در دهه ۶۰ میلادی از معماری مدرنیست اروپایی صورت گرفته است، مسئله بازخوانی ارزش‌های بومی را در دستور کار قرار می‌دهند و بر آن می‌شوند تا ماهیت استعاره‌ای بیان ایرانی در هنرها را در خلق آثار معماری خویش به کار گیرند (میری‌نژاد ۱۳۹۲، ۹۶ به نقل از حیثی ۱۳۸۵، ۳۸). در نهایت، تعریف هویت ملی و بازگشت به معماری خودی در تمام این دوران، دغدغه گروهی از معماران بوده و به شیوه‌های مختلف بدان پرداخته شده است، گاه صرفاً تقلیدی کورکورانه از یکی از سبک‌ها (خواه هخامنشی یا ساسانی و خواه معماری اسلامی) بوده است و گاهی نیز آثار فاخری (همچون آثار سیحون و افخمی و...) رقم زده است؛ لیکن در موضوع خانه‌سازی به پاسخ مناسبی دست نیافته است.

۴.۲. اصلاحات ارضی و مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها

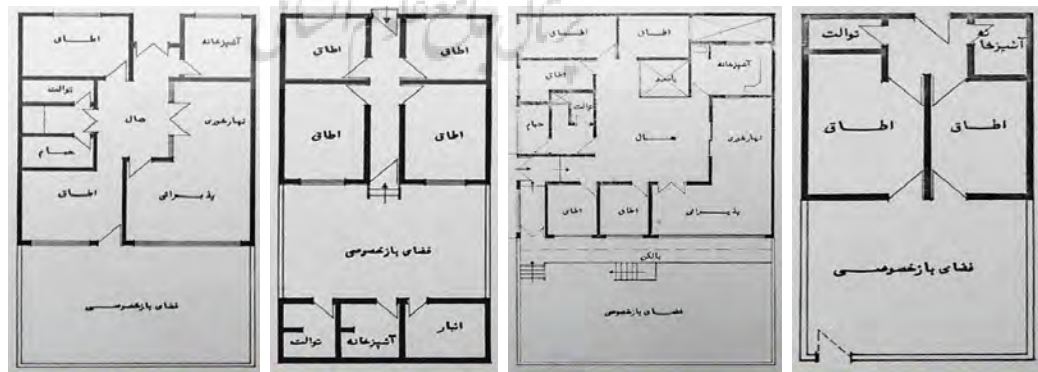
اصلاحات ارضی در واقع بخشی از اصلاحات اقتصادی و اجتماعی انقلاب سفید بود که در سال ۱۳۴۰ شمسی و در دوران حکومت پهلوی دوم انجام شد و آنچه از این اصلاحات نصیب دهقانان روستایی شد، زمین‌هایی کوچک و محروم از آب و امکانات آبیاری بود که بهره‌برداری از آن بدون کمک دولت میسر نبود (Karimi 2009). افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت در این زمان، به حکومت اجازه دخالت در مناسبات پیچیده و با سابقه تولیدی و زراعی در ایران را داد. برخلاف چیزی که تصور می‌کنیم، عاملی که به مهاجرت روستاییان به شهرها دامن زد، افول زندگی روستایی بود و نه جذابیت شهرها. اصلاحات ارضی سفره روستاییان را خالی کرده بود و ادامه زندگی در روستا ناممکن شده بود.

در این بازه زمانی، همه شهرها پر شد از افرادی که دیگر در روستای خودشان نبودند؛ در شهر خودشان نبودند، در محله و کوی و برزن خودشان نبودند. در این شرایط، خانه صرفاً پناهگاهی موقت در شرایط طوفانی است. در بحران مدنی، نخستین چیزی که قربانی می‌شود، کیفیت‌هاست؛ در این حال، فقط عملکردها و کمیت‌ها موضوعیت پیدا می‌کند. لذا از اواسط دهه ۴۰، به مرور، این موضوع، کاری‌ترین ضربه را به مفهوم خانه وارد کرد و از آن پس، رفته‌رفته خانه به کمیت و عملکردها تقلیل پیدا کرد (بهشتی ۹۵). البته مهاجرت به شهرها از چند دهه قبل و با اشغال کشور توسط متفقین، قحطی در برخی مناطق، تورم فزاینده، نبود امنیت، نیاز به خدمات شهری و دیوان‌سالاری و همچنین لغو قانون اخذ مجوز برای رفتن از شهری به شهر دیگر در اسفند ۱۳۲۱ش آغاز شده بود (طالبی، حجت، و فرضیان ۱۳۹۳).

۳.۴. رسیدگی دولت به «معضل مسکن» در پی ظهور طبقه ضعیف و متوسط

رسیدگی به معضل خانه و ساخت‌وساز انبوه مسکن که در دهه‌های نخست قرن در دستور کار دولت قرار داشت، هم‌زمان با اصلاحات ارضی دولت و مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها شدت گرفت. به‌علاوه، از همان زمان و به دلایل متعددی که مهم‌ترین آن‌ها اصلاحات آموزشی بود، یک طبقه اجتماعی متوسط و همگن به وجود آمد که اکثر آن‌ها در مؤسسات دولتی به کار گرفته شدند. هدف اصلی از ظهور این طبقه متوسط، جلوگیری از بی‌نظمی و ساخت یک جامعه مدرن بود، که متشکل از افرادی عاقل، سالم، منظم، تحصیل کرده، مؤدب و مفید باشد (Karimi 2009). در پی آن، نهادهای تمدنی جدید، نظیر شرکت‌های راه‌آهن، نفت، شیلات و... برای جذب نیروی کار لازم، ساخت خانه‌های سازمانی ارزان قیمت را که به‌طور رایگان در اختیار کارکنان قرار می‌گرفت، آغاز کردند (بستکی ۱۳۷۵).

در سال ۱۳۲۴ش، با طرح کوی چهارصد دستگاه در میدان ژاله، ایده مداخله مستقیم دولت و نهادهای دولتی در خانه‌سازی ارزان قیمت مطرح گشت و در آن سیستم شطرنجی خیابان‌سازی با ردیفی از خانه‌های یک و دوطبقه انتخاب و پلان خانه‌ها در ابعادی محدود تکرار شد. پس از آن در سال ۱۳۳۸ شهرک شهرآرا با اولین نمونه مسکن‌سازی به‌شکل آپارتمان در ساختمان‌های خطی ساخته شد (دشتی ۱۳۷۹). ساخت خانه برای اقشار متوسط و طبقه کارگر، در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی، با تقلید ظاهری از خانه‌های طبقه اشرافی و متوسط (که توسط معماران حرفه‌ای طراحی شده‌اند) و نیز با نگاهی به ویژگی‌های خانه‌های سنتی حیاط‌مرکزی، ملغمه‌ای از سبک‌های مدرن و سنتی را به وجود آورد که نتایج مطلوبی در پی نداشت (Karimi 2009). در آن زمان، بانک ساختمانی و سپس، سازمان مسکن و بانک رهنی، ارکان اساسی در خانه‌سازی برای مردم بودند. پس از آن، ساختمان‌های بلند مسکونی دیگری در دو دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ با منابع مالی و مدیریت دولتی ساخته شد که از آن جمله می‌توان به شهرک اکباتان با ۱۷۰۰۰ واحد مسکونی و آپادانا با ۲۹۰۱ واحد اشاره کرد (بستکی ۱۳۷۵). این معضل در شهرهای کوچک‌تر کمتر به چشم می‌خورد، لذا غالباً نمونه‌ها مربوط به شهر تهران معرفی می‌شود.



تصویر ۳: (از راست به چپ) نمونه‌هایی از پلان خانه‌های کوی نازی‌آباد، مهران، چهارصد دستگاه و تهران ویلا (طالبی، حجت، و فرضیان ۱۳۹۳، ۳۰)

۴.۴. تغییر ذائقه مردم از زندگی در خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای

در میانه سال‌های دهه ۱۳۲۰، بسیاری از خانواده‌های طبقه متوسط و بالا، خانه‌های سنتی با خانواده گسترده^{۱۱} را به نفع خانواده کوچک‌تر ترک کردند. زندگی خانوادگی که در گذشته به صورت گسترده در طی صدها سال در جوامع سنتی ادامه داشته، تحت تأثیر ایجابات زندگی صنعتی شهری و ظهور طبقات جدید اجتماعی دستخوش تغییر شد. در این دوران خانواده‌ای پدید آمد، مرکب از پدر، مادر، و تعدادی فرزند که اصطلاحاً خانواده هسته‌ای^{۱۲} نامیده می‌شد و از سبک زندگی متفاوت از خانواده گسترده برخوردار گشت و الگوی مسکن او متأثر از شرایط جدید، متفاوت گردید. بدین ترتیب انسان در حرکت در این تغییرات باید توان پذیرش و سامان‌دهی تغییرات به وجود آمده را داشته باشد (پوردیپیمی ۱۳۹۱، ۴). در واقع، همان طور که «خانواده هسته‌ای» کوچک‌تر و محدودتر و ساده‌تر از «خانواده گسترده» بود، «خانه مدرن» هم کوچک‌تر، ساده‌تر و بدون رنگ و لعاب‌تر بود (فاضلی ۱۳۸۶، ۴۰). این سبک جدید زندگی ابتدا در میان اشراف و طبقه کارمند و سپس در میان عموم مردم پذیرفته شد. لذا تعجبی ندارد که خانواده هسته‌ای مرکز توجه معمارانی قرار گرفت که برای ایرانیان طبقات متوسط و بالاخانه طراحی می‌کردند؛ در آن زمان، همان گونه که سبک جدید لباس پوشیدن معرف طبقه اجتماعی بود، طراحی به سبک جدید و موقعیت خانه نیز جایگاه افراد را منعکس می‌کرد. برای مثال در سال ۱۳۱۳ شمسی، گابریل گورکیان در طراحی «ویلا سیاسی» برای یک خانواده هسته‌ای، از ایده پلان آزاد (تحت تأثیر سبک آدولف لوس^{۱۳})، پنجره‌های با طاق دایره‌ای، بالکن‌های دایره‌ای شکل و پلکان استوانه‌ای استفاده کرد و در آن، مرزهای عمومی- خصوصی شکسته شدند (Karimi 2009).

۴.۵. تغییر در سلايق زیبایی مردان و تزیینات داخلی مهمان‌خانه‌ها

خانه حیاط مرکزی سنتی ایرانی مانند بسیاری دیگر از فضاها ایرانی، مکانی برای مشارکت هم‌زمان زنان و مردان، کودکان و بزرگسالان بود. برخی از این خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی بودند که بخش بیرونی علاوه بر برگزاری مراسم جشن و عزاداری و اعیاد مذهبی، اغلب در اختیار مردان و مهمانان مرد ایشان بود. لذا گرایش‌های جدید و مفاهیم جدید «زیبایی» با نمایش تصاویری از زنان بی‌حجاب غربی در طراحی داخلی این مهمان‌خانه‌ها آشکار شد. بسیاری از اشراف، به دلیل عدم استطاعت، به جای نقاشی‌ها و کاشی‌کاری‌های مشابه کاخ‌های پادشاه قاجار، از ترکیبی از عکس و پوستر در دیوارهای بنایی استفاده می‌کردند. برای مثال، در طراحی داخلی اتاق پنج‌دردی خانه لاری‌ها در یزد، که بدون تردید برای پذیرایی از مهمانان مرد آماده می‌شد، پوستره‌های براق از زنان و مناظر اروپایی دیده می‌شود که با دقت در قاب‌های آینه‌کاری تزیینی روی سقف و دیوارها نصب شده است؛ و یا مشابه آن در تالار اصلی خانه قوام‌الدوله در تهران. با در نظر گرفتن این مطالب عجیب نیست که تقریباً در تمام این تصاویر، زنان آرام و مطیع و فارغ از فعالیت‌های روزانه هستند.

۴.۶. کشف حجاب اجباری و شکسته شدن مرزهای اندرونی- بیرونی

از دهه ۱۳۱۰ش، تحولات شهری با کشف حجاب اجباری و بعداً اختیاری زنان همراه بود که امکان انواع آزادانه‌تری از تعاملات شهری را به وجود می‌آورد. رژیم پهلوی، اولین بار از طریق قانون ازدواج در سال ۱۳۰۹، مشارکت خود را در مسئله زنان آغاز و ازدواج تک‌همسری را تشویق کرد (اگرچه آن را به صورت قانون اجباری نکرد). در دهه ۱۳۲۰ و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، مطبوعات عمومی در مقالات خود، به توصیف خانه و زن خانه‌دار مدرن ایرانی در مقایسه با نمونه‌های مشابه غیرایرانی آن پرداختند. البته برون‌گرایی، نخست در اندیشه‌ها شکل گرفت (کیانی ۱۳۸۳). همین اندیشه بود که چادر سیاه را از سر زنان برداشت، آهن و شیشه را جایگزین دیوارهای گلی و باربر خانه‌های قاجاری کرد و سپس به شهرسازی نفوذ کرد و حصار ناصری به مثابه نماد درون‌گرایی در شهرسازی کهن فروریخت. از دیدگاه جامعه‌شناسان، بی‌حجابی حکمی از احکام تجدد است که باید در مناقشه «تجدد بومی» و «تجدد غربی» در ایران فهمیده شود (زائری ۱۳۸۳). یکی از نزاع‌های اصلی سنت‌گرایان در زمینه جنسیت و تبعیض جنسیتی این است که سنت‌گرایان در الگوی ایدئال خود، زن و وظایف او را در مادر شدن، تربیت کودک، گرم نگاه داشتن محیط خانه، کدبانوگری و خانه‌داری می‌بینند و در مقابل منتقدان فمینیست و نوگرا در تلاش‌اند تا زن را از «چهاردیواری خانه» به

«محیط جامعه» بکشاند و فرصت‌های بیشتری برای او در جامعه و بیرون از خانه فراهم کنند. از این دیدگاه می‌توان گفت کارکرد جنسیتی خانه، ایجاد حریم برای زنان است که این کارکرد پنهان‌سازی بسیار کاهش یافته است (فاضلی ۱۳۸۶، ۴۴). بی‌تردید، تلقی جامعه از جایگاه زنان، دیدگاه ایشان نسبت به خودشان و انتخاب سبک زندگی تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری کالبد معماری خانه خواهد داشت.

۷.۴. مجلات زنان و نشریات معماری

با شروع قرن حاضر، مجلات با دو رویکرد متفاوت به موضوع خانه پرداختند: یکی از بعد تزیینات و دکوراسیون داخلی بر پایه نمایش زنان و خانه‌های مدرن اروپایی، و دیگری از بعد فنون ساختمان‌سازی در ارتباط با عملکرد دولت و فناوری نوین ساخت. از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۴ ش، مجله زنان عالم نسوان بر عقاید آمریکایی پروتستانی با نمایش دین در قالب اخلاق، تقوا و کردار نیک و بر درونی کردن باورهای دینی به اسم «پیشرفت» و «تمدن» تبلیغ می‌کرد. در عین حال، در میان صفحات نشریه عالم زنان، که توسط سفارت بریتانیا در طول جنگ جهانی دوم منتشر شد، جذابیت و زرق‌وبرق زندگی غربی، همراه با نکاتی درباره مد، زیبایی برای ارتقای سلیقه زنان در طراحی داخلی و دکوراسیون خانه به نمایش گذاشته شد.

مجله معماری ایرانی با نام آرشیوتکت، از دیگر مجلات درباره موضوع خانه بود که اولین نسخه آن در سال ۱۳۲۵ منتشر شد و الزاماً انطباقی با رویکردهای پیش‌گفته نداشت، در عین حال به شکلی دیگر به تشویق نوگرایی می‌پرداخت. این مجله تعدادی از پروژه‌های مهم از جمله توسعه گسترده خانه‌سازی برای افراد کم‌درآمد و تعدادی از ویلاهای لوکس در شمال تهران و در محلات موفق در دیگر شهرهای ایران همچون آبادان را به نمایش گذاشت. همچنین تعدادی از مقالات درباره خانه‌سازی و طراحی شهری در اروپا توضیحاتی ارائه می‌داد. در کنار سایر عوامل، مجلات به‌عنوان رسانه و شاخص کلیدی در معرفی سبک زندگی انگلیسی-آمریکایی و تشویق به شبیه‌سازی آن بودند.

۸.۴. طرح‌های پژوهشی با موضوع تدوین ضوابط مسکونی

پس از گذشت یک دهه از بهره‌برداری و آگاهی از اختلال عملکردی پروژه‌های مسکونی دولت، پژوهش‌هایی زیر نظر وزارت مسکن همچون «خانه‌سازی در شهرهای ایرانی: مشکلات و راه‌حل‌ها (۱۳۴۹)» صورت پذیرفت. این پژوهش‌ها پیشنهاداتی برای چیدمان بهتر فضای داخلی و ساخت آپارتمان‌ها و ساختمان‌های بلندمرتبه به‌جای خانه‌های یک یا دوطبقه می‌داد تا از گسترش غیرضروری شهرها و توزیع ناکارآمد منابع انرژی جلوگیری کند. همچنین، نمونه‌هایی از مسکن را معرفی می‌کرد که بر اساس شرایط اقلیم منطقه، تعداد افراد خانواده و میزان درآمد سرپرست خانوار طراحی شده بودند. اگرچه اغلب آن‌ها تقلیدی از نمونه‌های خارجی بودند و جنبه‌های سنتی خانه‌های حیاط مرکزی، در این مدل‌های نسخه‌پیچ‌شده، به‌کلی از بین رفت، اما در مقایسه با آنچه سازندگان غیرحرفه‌ای در آن زمان می‌ساختند، هماهنگی بیشتری با استانداردهای زندگی روزمره داشت. لذا ساخت‌وساز آپارتمان‌های مسکونی لوکس و بلندمرتبه، توسط سازندگان حرفه‌ای و با تکیه بر پیشنهادات جدید رونق گرفت و تا دهه ۶۰ ادامه داشت؛ لیکن غالباً ساخت این آپارتمان‌ها پرهزینه بود و خالی از سکنه باقی ماند و باعث بازگشت بخشی از جمعیت به سمت آپارتمان‌های نامطلوب پیشین شد (کریمی ۲۰۰۹ به نقل از خدایار ۱۳۵۲). در چند دهه اخیر نیز چندین طرح پژوهشی با محوریت موضوع مسکن به سفارش مرکز تحقیقات راه و شهرسازی صورت پذیرفته که بعضاً با تصویب در شورای عالی معماری و شهرسازی اجرایی شده است.^{۱۵}

آنچه به‌عنوان عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی و فرهنگی در معماری مسکن و فرهنگ خانه مطرح شد، توسط پژوهشگران مختلف بررسی و با رویکردهای متفاوتی ارزیابی شده است. از میان مجموعه عواملی که بر کالبد و فرهنگ خانه تأثیرگذار بوده‌اند، برخی مستقیماً عاملی خارج از فرهنگ داخلی داشته است و برخی دیگر به‌سبب تغییر تدریجی و یا جبر حاکمیت در درون فرهنگ جامعه و تقاضای جدید ایشان ایجاد شده است. از دیدگاه نگارندگان این مقاله، شناخت عوامل مؤثر با این دیدگاه کمک خواهد کرد تا در تحلیل و نقد شرایط حاکم بر معماری مسکونی ایران تنها یک عامل (اغلب عامل بیرونی) را مقصر ندانسته و برخی از تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را بهتر بپذیریم و برای

احیای کیفیت‌های خانه‌های سنتی به زبان معماری امروز تلاش کنیم. لذا عوامل مؤثر پیش‌گفته به‌اختصار در جدول ۲ دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲: عوامل مؤثر بر تحول معماری مسکونی و فرهنگ خانه در ایران

تغییرات فرهنگی و کالبدی در محلات مسکونی و معماری خانه	مجموعه تحولات سیاسی- اجتماعی- اقتصادی در رابطه با موضوع مسکن
معرفی هنر خانه‌داری به‌عنوان یک ارزش فرهنگی، افزایش مشارکت اجتماعی بانوان و تغییر در سبک زندگی خانوادگی	تأسیس مدارس دینی توسط مبلغان خارجی و آموزش شیوه‌های نوین خانه‌داری به زنان
تأکید بر تأمین آب لوله‌کشی و سیستم فاضلاب برای خانه‌ها به‌جای روش‌های قدیمی، به‌روز شدن عادات‌های روزمره و همراهی علمای دینی در استفاده از روش‌های نوین	تغییر مفاهیم سنتی پاکیزگی به تعاریف جدید از بهداشت
معرفی عملکردها و فضاهای جدید مانند اتاق پیانو و حیاط بازی در معماری خانه‌های جدید	القای تدریجی تفکر پیش‌تاز «خوب زندگی کردن»
معرفی نمونه‌های جدید خانه مانند خانه‌های ویلایی، آپارتمانی و...	حضور معماران خارجی و بازگشت معماران تحصیل‌کرده ایرانی از خارج از کشور
تغییر در سلیقه و گرایش به نخواستی در فرم و مبلمان خانه	تأثیر مجلات زنان و نشریات معماری بر مفاهیمی چون زیبایی‌شناسی و دکوراسیون
حذف تدریجی برخی فضاها از معماری خانه‌های سنتی	واردات محصولات خانگی تولید انبوه انقلاب صنعتی در اروپا
تفکیک محلات مسکونی جدید بر اساس طبقات اجتماعی و ظهور معماری طبقاتی	حضور متخصصان خارجی در شهرهای نفتی و صنعتی
آشنایی با تعاریف جدید زیبایی و نوگرایی در پوشش بانوان و معماری خانه	تغییر در سلاقی زیبایی و ظهور تصاویری از زنان اروپایی در تزیینات داخلی مهمانخانه‌ها
تغییر در تعریف حیاط از فضای سازمان‌دهنده در میانه خانه به فضای سبز جلوی خانه، ظهور بازشو و پنجره‌ها از فضای خصوصی خانه به معیار عمومی	کشف حجاب اجباری و شکسته شدن مرزهای اندرونی- بیرونی
تمایل بیشتر به سکونت در خانه‌های تک‌خانوار جدید به‌جای زندگی در خانواده گسترده در خانه پدری	تغییر ذائقه مردم از زندگی در خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای
اهمیت یافتن مبلمان و وسایل صنعتی به جای فضاها و ابزار سنتی خانه، اهمیت یافتن مفهوم آسایش به‌جای آرامش	نوگرایی در مبلمان منزل و گسترش فرهنگ مصرف به‌جای تولید
تغییر رابطه معمار- کارفرما و ساخت خانه‌ها توسط مهندسان آرشیکت به‌جای معماران تجربی	تأسیس مدارس معماری و تغییر نحوه آموزش معماری
افزایش حاشیه‌نشینی، رشد تقاضای مسکن و آغاز انبوه‌سازی مسکن ارزان‌قیمت	اصلاحات ارضی و مهاجرت گسترده به شهرها و افزایش جمعیت
ساخت‌وساز مسکن دولتی با الگوهای جدید معماری خانه	تعریف و حمایت دولت از مسکن طبقه متوسط کارمند
تخریب بسیاری از محلات سنتی هم‌زمان با کاخ‌ها و خانه‌های قاجاری	گرایش حکومت به بازتعریف هویت ملی پس از جنگ جهانی دوم
تخریب ده‌ها هزار خانه در بافت سنتی شهر تهران و سرایت این روش به شهرهای دیگر در سال‌های پس از آن	سیاست‌های نوسازی شهری و تعریض معابر و ایجاد زیرساخت‌های شهر مدرن
ظهور سبک جدید از خانه‌سازی به شکل آپارتمان‌های کوتاه‌مرتبه و بلندمرتبه و تغییر تدریجی مفهوم خانه	حل معضل کمبود مسکن با تولید انبوه مسکن در قالب مجتمع‌ها و کوی‌های مسکونی

کتابخانه تخصصی معماری ایران

معماری

کالبدی

معماری

کتابخانه تخصصی معماری ایران

کالبدی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹

۶۸

۵. معماری شهر تاریخی لار قبل و بعد از زلزله سال ۱۳۳۹

تاریخ همواره نشان داده که بازسازی مناطق مسکونی و با ایجاد شهر جدید ناشی از عواملی چون جنگ، زلزله، سیل و مشابه آن، اغلب سرآغاز فصل جدیدی از شهرسازی و معماری برای آن منطقه بوده است. بهرغم خسارات فراوان و تلفات انسانی جبران‌ناپذیر، زلزله سال ۱۳۳۹ در شهر لار و ضرورت ایجاد یک شهر جدید، فرصتی را فراهم کرد تا مجموعه عوامل انسانی پیش‌گفته در تحول معماری مسکونی معاصر در ایران، بتواند خود را قالب معماری و شهرسازی مدرن تجسم بخشد. لذا بازسازی این شهر با دغدغه‌هایی چون تأمین ایمنی، بهره‌مندی از اصول نوین معماری و شهرسازی و با کم‌توجهی به ویژگی‌های ارزشمند معماری بومی آن انجام شد.

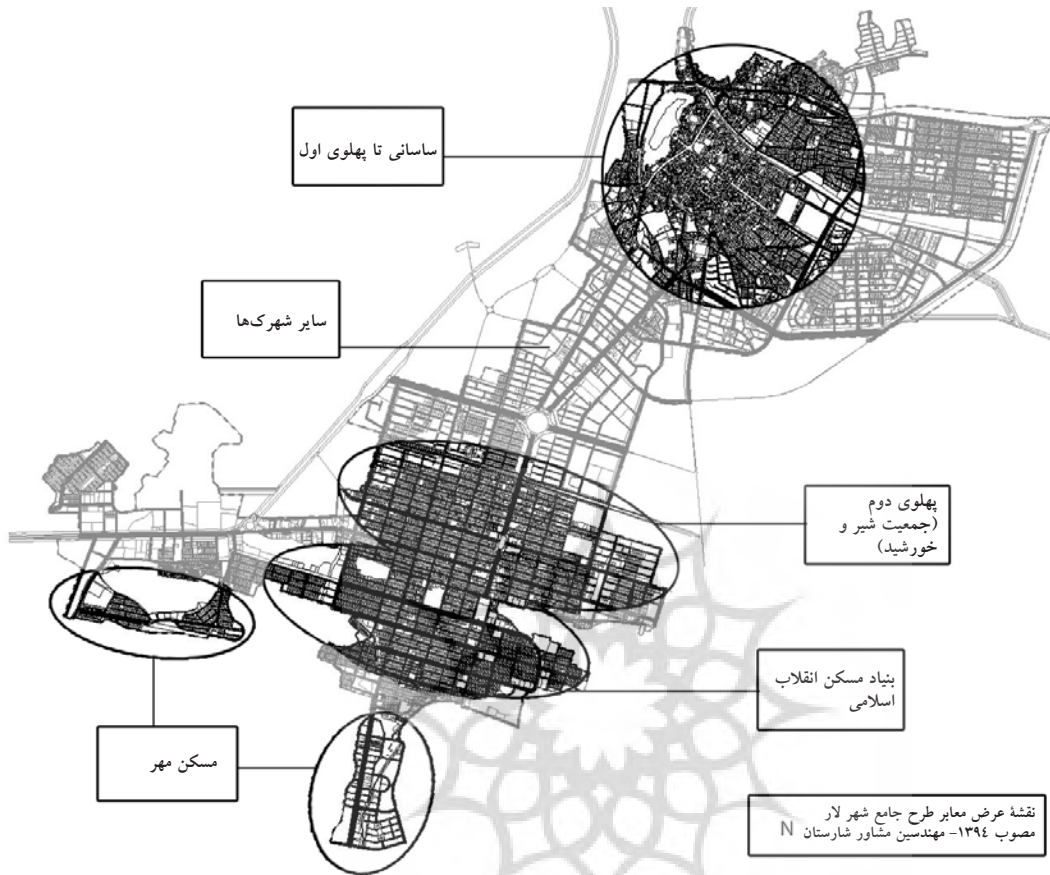


تصویر ۴: لارستان، ایالتی جداگانه در نقشه‌ای اروپایی از سال ۱۷۳۰ میلادی (دانشنامه ویکی پدیا ۱/۱۳۹۹)

لار، یک واژه بین‌فرهنگی در میان زبان‌های اروپایی و ایرانی است به معنای «خانه» و «یکی از ارواح نگاهبان خانه». حداقل دوازده نقطه و ناحیه در ایران وجود دارند که در نامگذاری آن‌ها از واژه لار استفاده شده است (معین ۱۳۷۹). اسناد و کتب تاریخی نشان می‌دهد که سابقه سکونت در شهر تاریخی لار در جنوب استان فارس، به پیش از اسلام بازمی‌گردد؛ و هسته تاریخی شهر در طول حیات و رشد، آثاری از دوران سلجوقی، صفوی و قاجاری در دل خود جای داده است.^{۱۶} در دوران پهلوی، مهم‌ترین تحولات شهری با خیابان‌کشی‌های جدید آغاز شد. البته این تحولات شهری بعد از زلزله ۱۳۳۹ ش، شکل کاملاً متفاوتی به خود گرفت و منجر به احداث لار جدید در زمان پهلوی دوم شد؛ این شهر منطبق با اصول شهرسازی مدرن در دهه ۱۹۶۰ میلادی، با طرح شبکه‌بندی عمود بر هم ساخته شده و به «شهر بدون کوچه» شهرت دارد.

۵. ۱. معرفی الگوی خانه و بافت شهری لار پیش از زلزله سال ۱۳۳۹

بافت تاریخی شهر لار مانند غالب محلات تاریخی در شهرهای مناطق گرم و خشک ایران، ساختاری ارگانیک دارد و از خانه‌های حیاط‌مرکزی تشکیل شده است. در محل تلاقی گذرها و در مجاورت تمام اماکن عمومی مانند مسجدجامع و بازار قیصریه اغلب آب‌انبارهایی ساخته می‌شده است؛ زیرا تأمین آب از مهم‌ترین نیازهای ساکنان محله است. خانه‌ها نیز در این بافت تاریخی از الگوی حیاط‌مرکزی پیروی می‌کند، خواه کوچک باشد یا بزرگ؛ ساده باشد یا پرتزیینات، در همه آن‌ها بعضی عناصر تکرار می‌شود؛ هشتی و سه‌دری و پنج‌دری، سرداب، بادگیر و پنجره‌های مشبک سنگی یا گچی.



تصویر ۵: توسعه مناطق مسکونی شهر لار در دوره‌های زمانی مختلف

زلزله ۱۳۳۹ بخشی از این بافت مسکونی را تخریب کرد؛ اما این تنها آسیب به بافت تاریخی نبود. سیاست‌های نوسازی شهری دوران پهلوی و خیابان‌کشی‌ها و عریض‌سازی معابر قلب این بافت تاریخی را شکافت و انسجام آن را از بین برد.



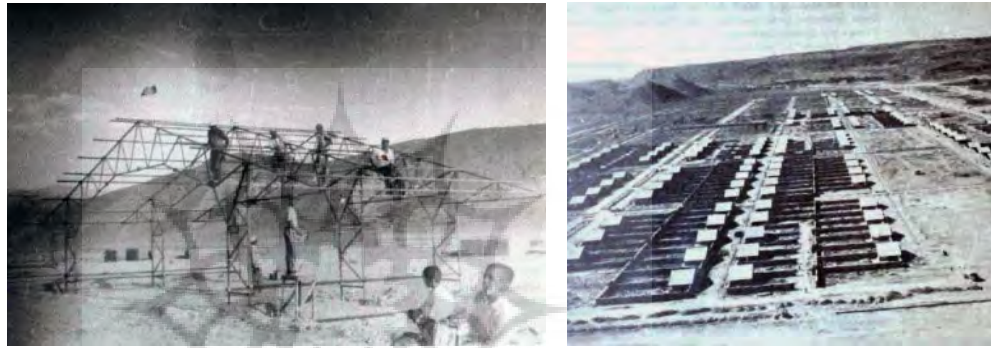
تصویر ۷: نمونه الگوی خانه‌های درون‌گرای حیاط‌مرکزی لار



تصویر ۶: عکس هوایی شهر لار پیش از زلزله (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۳۵)

۲.۵. معرفی الگوی خانه و بافت شهری لار پس از زلزله ۱۳۳۹

کمتر از یک سال پس از زلزله، طبق نتایج حاصل از گزارش‌های زلزله‌نگاری، به فاصله ۳ کیلومتری از شهر لار قدیم و در جنوب غربی آن، شهر جدیدی مکان‌یابی و ساخته شد؛ طراحی، نظارت و اجرای نقشه شهر جدید توسط مهندسان شرکت نفت صورت پذیرفت. شهر جدید به صورت ۱۲ خیابان شمالی جنوبی و ۱۲ خیابان شرقی غربی با عرض‌های ۱۲، ۲۰، ۳۰، ۴۵ متری طراحی شد (سلیمان‌زاده و فلاحی ۱۳۹۷). برخلاف بافت شهری قدیم، استخوان‌بندی شهر جدید به صورت شبکه‌بندی متقاطع و عمود بر هم معابر شکل گرفت. خانه‌سازی در این شهر جدید، بر عهده جمعیت شیر و خورشید گذاشته شد و خانه‌های ضد زلزله با شالوده بتنی، سیستم ساخت‌وساز لوله‌ای با اتصال پیچ و مهره با جوش، سقف ایرانی و استفاده از رابیتس و گچ ساخته شد که تاکنون بخش زیادی از آن‌ها باقی مانده است، به خانه‌های شیر و خورشید شهرت دارد و همچنان در معاملات مسکن از ارزش زیادی برخوردار است.



تصویر ۸، ساخت خانه‌های ضد زلزله توسط جمعیت شیر و خورشید (سلیمان‌زاده و فلاحی ۱۳۹۷)

از طرف دولت برای هر خانه ۴۰۰ مترمربع زمین منظور و بنایی با مساحت تقریبی مجموعاً ۳۰ مترمربع، در جبهه رو به خیابان، جهت اسکان موقت ساخته و مابقی به منظور ساخت‌وسازهای آتی خانه با توجه به احتیاجات ساکنان، در اختیار خانوارهای واجد شرایط قرار داده شد. مردم در ابتدا تمایلی برای ترک خانه‌هایشان در شهر قدیم نداشتند، اما سالم ماندن خانه‌های شهر جدید در زلزله سال بعد (۱۳۴۰) باعث رونق مهاجرت به آن شد. پلان هر خانه به صورت دو اتاق و یک آشپزخانه طراحی شد و سقفی با شیب یک‌طرفه آن را می‌پوشاند. در این خانه‌ها همچون خانه‌های سنتی، در کنار درختان نخل، حوضی در میانه حیاط دیده می‌شد که به دلیل تأمین زیرساخت‌های لوله‌کشی آب شهری، بیشتر جنبه نمادین داشته تا کاربردی. سبک زندگی نیمه‌سنتی سبب شد اتاق‌ها تک‌عملکردی نشده و اثاثیه غیر ثابت در آن استفاده شود. به‌علاوه به دلیل توجه به مفاهیم سنتی پاکیزگی، توالی و حمام همچنان خارج از فضای خانه و در گوشه حیاط جانمایی شد. این خانه‌ها ساده و کاربردی بوده و در آن‌ها خبری از تزیینات سنگی و گچ‌بری‌های زیبای خانه‌های سنتی نیست. به‌علاوه فضاهایی چون بادگیر و سرداب و اتاق روی بام که همدم اهالی در روزهای گرم و طاقت‌فرسای تابستان بود، به‌کلی از یاد رفته و پنکه و کولر و یخچال و سایر تجهیزات سرمایشی جایگزین آن‌ها شد. برخلاف خانه‌های سنتی، این خانه‌های جدید تناسبی با سبک زندگی خانواده گسترده نداشت؛ البته با توجه به تحولات فرهنگی جامعه در آن زمان، از جمله ظهور طبقه متوسط یا کارمند و حضور زنان تحصیل کرده، بسیاری از مردم از زندگی در خانواده هسته‌ای در کالبد جدید خانه استقبال کردند. در حال حاضر و پس از گذشت نزدیک به شش دهه، در اغلب این خانه‌ها، با حفظ سازه ضد زلزله در ضلع رو به معبر، در جبهه مقابل، بنایی با توجه به توان مالی خانوار، سلیقه و نیاز ایشان ساخته شده است. این پیش‌نگری تفکیک قطعات و ساخت سازه ضد زلزله در کمترین زیربنای ممکن و عرض معابر سبب شده است که علاوه بر اسکان ایمن در زمان بحران، این ساختار شهری با گذشت بیش از نیم قرن، به‌خوبی پاسخگوی تغییرات در سبک زندگی ساکنان و نیازهای کالبدی آن در طول زمان باشد؛ که خود از عوامل مؤثر در رضایت و احساس تعلق ساکنان

است. به علاوه، به رغم آنچه درباره تخریب گسترده خانه‌های تهران در پی سیاست نوسازی شهری گفته شد، در اینجا شاهد کمترین مداخله در بافت تاریخی شهر لار و ایجاد شهری جدید با زیرساخت‌های نوین و خانه‌هایی پایدار هستیم. گسترش شهر بعد از انقلاب اسلامی، با همان الگوی شبکه‌بندی عمود بر هم، به سمت جنوب و غرب گسترش پیدا کرد و برای پاسخ‌گویی به تقاضای مسکن، محلاتی همچون صد دستگاه، قلات خانی و... با نظارت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و با نقشه‌های مشابه شکل گرفت و پس از اتمام مرحله سفت‌کاری با هزینه‌ای اندک در اختیار واجدین شرایط قرار گرفت. این خانه‌ها همگی با الگوی ۶۰ درصد سطح اشغال و در یک طبقه، و در به حیاط ساخته شدند؛ به طوری که در یک سمت خیابان خانه‌ها جنوبی و اصطلاحاً رو به آفتاب و در سمت مقابل خانه‌ها شمالی یا اصطلاحاً پشت به آفتاب بودند؛ پلان این خانه‌ها عملکردی و با مبلمان ثابت و اغلب شامل یک نشیمن، پذیرایی، دو اتاق خواب، یک حمام و توالت بود. در این زمان، فرهنگ زندگی در خانواده هسته‌ای تثبیت شده و تنها در برخی موارد محدود، والدین در کنار فرزندان زندگی می‌کردند. به رغم مرکزیت حیاط در خانه‌های سنتی و در روشی مشابه، در مرکزیت فضایی این خانه‌ها «هال» قرار داشته و تمام اتاق‌ها به آن گشوده می‌شد. در اتاق پذیرایی، برای حفظ حریمیت، برای مهمانان دسترسی جداگانه‌ای از حیاط تعبیه شده و در مجاورت آشپزخانه، یک حیاط خلوت مشابه حیاط اندرونی پیش‌بینی شد که اکثراً توسط ساکنان مسقف شده است (به دلیل گرد و خاک و آب‌گرفتگی در مواقع بارندگی). توالت به فضای خانه نزدیک‌تر و از حیاط به حیاط خلوت منتقل شد. مرزهای اندرونی- بیرونی همچون گذشته نیست؛ زیرا در خانه‌های حیاط‌مرکزی، این امکان وجود داشت که اهالی خانه بدون دیده شدن بر فضای مشترک حیاط نظارت داشته باشند، در خانه‌های جدید، این تلافی و دیدار تنها با حضور در هال اتفاق می‌افتد. حیاط نقش پیشین خود در انتظام فضایی را از دست داده و حوض نیز حذف شد، اما حیاط همچنان فضایی مستقل محسوب می‌شد، تک‌درخت نخل جای خود را حفظ کرده و پرده‌ای بر ورودی خانه، از دید مستقیم به داخل حیاط، محافظت می‌کرد. نمای اصلی ساختمان رو به حیاط بوده و ساختمان روزنی به کوچه نداشت. در سال‌های اخیر برخی خانه‌ها، بر اساس توان و نیاز ساکنان به کلی تخریب و با نقشه‌ای متفاوت ساخته شده است.



تصویر ۱۰: سیر تحولات در معماری خانه در شهر لار به روایت تصویر، از راست به چپ: نسل اول (قاجاری و پهلوی اول)، نسل دوم (پهلوی دوم)، نسل سوم (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی)، نسل چهارم (مسکن مهر).

مطالعات معماری ایران

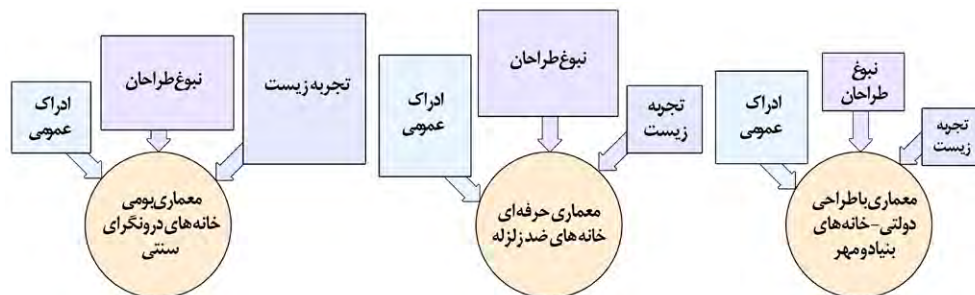
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹

۷۲

پروژه مسکن مهر، آخرین مداخله مستقیم دولت در ساخت‌وساز مسکن بود که با مشارکت مردم تنها در بخشی از هزینه‌های آن، به صورت اجاره ۹۹ ساله زمین و در بلوک‌های دوطبقه به طور کامل اجرا و در اختیار اقشار متوسط و کم‌درآمد قرار گرفت. پلان آن شامل یک نشیمن، دو اتاق خواب، آشپزخانه، حمام و توالت است که در حداقل مساحت ممکن ساخته شد، لذا تنها برای خانوارهای بدون فرزند یا حداکثر یک فرزند و خانوارهای تک‌نفره مناسب است. حیاط در این خانه‌ها، فضایی مشترک بین چهار واحد مسکونی است، بدون حوض و درخت و در حقیقت، محل پارکینگ چهار اتومبیل است. درب توالت در داخل خانه و در فضای ورودی یا نشیمن باز می‌شود. تعداد کم واحدها تعامل بهتری بین ساکنان به نسبت مجتمع‌های آپارتمانی ایجاد کرده است، لیکن در کل این خانه‌ها هیچ شباهتی با فضا‌سازی در خانه‌های سنتی و سایر نمونه‌های پیش گفته نداشته و چنین به نظر می‌رسد که تنها عامل مؤثر در آن بهینه‌سازی هزینه‌هاست. در بسیاری موارد، خانواده‌ها هیچ حس تعلق به آن نداشته و آن را سرپناهی موقت تا تأمین خانه‌ای بهتر می‌پندارند.

دورهٔ ساخت	دورهٔ قاجار و ماقبل آن	دورهٔ پهلوی دوم (جمعیت شیر و خورشید)	دورهٔ انقلاب اسلامی (بنیاد مسکن)	دورهٔ انقلاب اسلامی (مسکن مهر)
نمونه پلان واحد مسکونی				
مدل حجمی واحد مسکونی				
نمونه پلان محله مسکونی				
مدل حجمی محله مسکونی				

در برخی منابع تحلیل معماری از یک دسته‌بندی سه‌تایی با نام «اسپیشال تریدز» برای تحلیل فضاهای مردم-ساخت استفاده می‌شود که بر پایهٔ نظریات جامعه‌شناسی هنری لفوبور شکل گرفته است: فضایی بر پایهٔ ادراک عمومی، فضایی بر پایهٔ نوع طراحان و فضایی بر پایهٔ تجربهٔ زیست. نویسندگان معتقدند که در تحلیل گونه‌های خانه ایرانی به‌طور کلی و اختصاصاً گونه‌های شناخته‌شده در شهر لار، سهم هریک از این فضاها در کالبد معماری تغییر کرده است. به‌عبارتی فضاسازی در گونه‌های دهه‌های اخیر بر پایهٔ درک عمومی از نیازهای روزمرهٔ زندگی انسان شکل گرفته است؛ درحالی‌که در خانه‌های ضد زلزله حداکثر دانش و نوع معماران و طراحان به نمایش گذاشته شده است؛ و در نهایت در خانه‌های سنتی، فضاها بیشتر بر اساس تجربهٔ انسان از سکونت طی قرن‌های متمادی انتظام یافته، طوری که خلاقیت مردم عادی چنان قدرتی به آن داده که از دو گونهٔ دیگر پیشی گرفته است.



تصویر ۱۱: میزان حضور سه‌گانهٔ فضایی لفوبور در گونه‌های مختلف خانه در شهر لار

نتیجه

در بیان تحولات قرن اخیر، اگرچه بیشتر به دوران پهلوی اول و تا حدودی پهلوی دوم پرداخته شد، باید در نظر داشت که مجموعه عوامل مؤثر بر تحولات زندگی خانوادگی یا فرهنگ خانه، دهه‌ها پیش از شروع قرن حاضر آغاز و نمود کالبدی آن بعد از حدود یک قرن مشاهده شد. در حالی که تحولات فرهنگی در طول قرن سیزدهم، باعث پذیرش سیاست‌های حکومتی در ابتدای قرن چهاردهم، از سوی بخشی از جامعه شد، لیکن فشار حکومت پهلوی در اعمال قوانین جدید بر تمام جامعه، نارضایتی بخش دیگری از جامعه را به وجود آورد. البته باید توجه داشت که مواجهه با تغییرات و نوگرایی محدود به یک حکومت خاص و بازه زمانی مشخص نبوده و در طول حیات جامعه ایرانی وجود داشته است. نوگرایی پیش از این، با حفظ هویت بومی، به رشد و ارتقا آن کمک می‌کرده، اما این بار با نادیده انگاشتن ارزش‌های خودی، آن را به کلی دگرگون کرده است. مجموعه تحولات فرهنگی اغلب تحت تأثیر عوامل خارجی و تغییرات کالبدی ناشی از آن، توسط عوامل داخلی محقق شده است. حضور متخصصان غربی، جابه‌جایی جمعیتی، تغییر در سلیقه زیبایی در مردان، آموزش اصول نوین خانه‌داری به زنان، تعریف طبقه‌بندی اجتماعی، نادیده انگاشتن هویت‌های بومی در رویکرد ملی‌گرایی، گسترش فرهنگ مصرف به جای تولید و... از جمله عوامل فرهنگی است که بر کالبد شهری و معماری خانه همچون تفکیک محلات بر اساس طبقات اجتماعی، پیدایش سبک‌های جدید معماری مسکونی، ظهور تزیینات و مبلمان جدید در خانه‌های ایرانی و تخریب گسترده خانه‌های سنتی تأثیر گذاشت.

در ابتدای قرن، اگرچه تخریب کالبد سنتی شهر، زمینه را برای ایجاد تهرانی مدرن فراهم کرد، دیده می‌شود که سبک زندگی و معماری خانه‌ها همچنان به شکل نیمه‌سنتی ادامه داشت. حتی در شهر لار که زلزله زمینه ایجاد شهری جدید منطبق با اصول شهرسازی و معماری جدید را به وجود آورد، این توجه به شکل سنتی زندگی و الزامات فرهنگی به خوبی در کالبد خانه‌ها دیده می‌شود. به علاوه، برخی تغییرات فرهنگی نظیر تمایل به زندگی در خانواده هسته‌ای، ظهور طبقه متوسط کارمند، تغییر نقش زنان تحصیل کرده در خانواده، اعمال سیاست‌های نوسازی شهری پس از وقوع زلزله و گسست یکپارچگی بافت مسکونی سنتی، تمایل به نوخواهی و تغییر سبک زندگی، کسب آسایش بیشتر در استفاده از سیستم سرمایش و گرمایش و مبلمان جدید به جای جابه‌جایی فصلی در خانه‌های سنتی، استفاده از تکنولوژی نوین برای افزایش ایمنی در برابر زلزله سبب پذیرش خانه‌های ضد زلزله توسط ساکنان خانه‌های سنتی شد. این در حالی است که در گونه‌های رایج مسکن لار در دهه‌های اخیر، نه تنها این توجهات به ارزش‌های فرهنگی دیده نمی‌شود، که از مفاهیم گسترده خانه تنها ساختمانی با تعدادی فضاهای عملکردی باقی مانده است. از این رو، غلبه سیاست و اقتصاد بر معماری مسکن (به خصوص در مسکن مهر)، الزامات تعامل مطلوب میان کالبد خانه و نیاز انسان به سکونت، آرامش و آسایش را، مشابه آنچه در معماری سنتی دیده می‌شود، به کلی نادیده گرفته است. لذا چنانچه بخواهیم کیفیت را به خانه‌هایمان بازگردانیم، می‌بایست به فرهنگ زندگی خانوادگی در جامعه معاصر توجه بیشتری نشان داده و دانش طراحی خانه را به کمک خلاقیت مردم و نبوغ طراحان، به سطحی بالاتر از تأمین نیازهای روزمره ارتقا دهیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Henry Lefevber
2. Spatial Traits
3. Perceived Space
4. Conceived Space
5. Lived Space
6. Braim
7. Bawarda
8. Karimi 2009, 94 ، برگرفته از Farmanfarmaian, Manochehr and Roxane Farmanfarmaian, *Blood and Oil*

Memories of a persian prince (New York: Random House, 1997).

9. Karimi 2009, 95, برگرفته از Crinson, Mark. *Modern Architecture and the end of Empire* (Burlington, VT: Ashgate, 2003)

10. Well-being

۱۱. اولین ارتباط ایران با آمریکا به سال ۱۲۰۲ش (۱۸۲۹م) و تأسیس پایگاه دینی در ارومیه بازمی‌گردد.

12. Extended family

13. Nuclear family

14. Adolf Loos

۱۵. از جمله می‌توان به پژوهش‌هایی با عنوان «مسکن حداقل» (حبیبی و اهری ۱۳۶۷) و «تدوین استانداردهای ابعادی مسکن» (قاسم‌زاده ۱۳۸۰) اشاره کرد.

۱۶. از آن جمله می‌توان به معبد آناهیتا و کهن دژ (معروف به قلعه‌اژدهاییکر) اشاره کرد. از دیگر آثار فاخر پس از اسلام، ساخت بازار کهنه و میدان اصلی شهری و کاروانسرای موسوم به مغولی در دوره سلجوقیه است که در اثر زلزله سال ۱۰۰۳ هجری قمری بخشی از آن ویران می‌شود. پس از آن و در دوره صفویان بازار شهر مرمت شده و بازار زیبای قیصریه تا به امروز مهم‌ترین بنای این بافت تاریخی به حساب می‌آید. شکل‌گیری باغ و عمارت تاریخی حکومتی باغ نشاط را به دوران زندیه و به قولی افشاریه منسوب دانسته‌اند. همچنین دو کاروانسرای گلشن و نو در مجاورت بازار میدان در عصر قاجاریه ساخته شد.

منابع

- آقالطیفی، آزاده، و عیسی حجت. ۱۳۹۷. بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کلیدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۲۳ (۴): ۴۱-۵۴.
- ابراهیمی، غلامرضا، حسین سلطان‌زاده، و غزال کرامتی. ۱۳۹۶. بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان. *مجله باغ نظر* ۱۴ (۴۷): ۲۹-۳۸.
- اعتصام، ایرج. ۱۳۷۷. طراحی مسکن در بافت قدیم شهری. *هنرهای زیبا* ۳ (۳): ۵۴-۶۱.
- بانی‌مسعود، امیر. ۱۳۸۷. *معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*. تهران: هنر معماری قرن.
- بستکی، سهیلا. ۱۳۷۵. مسکن غیررسمی. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری آبادی* - ویژه خانه ۲۳ (۴): ۸۴-۸۹.
- بهشتی، سید محمد. ۱۳۹۵. خانه (از آغاز پهلوی اول تا دهه‌چهل شمسی). *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران* (۱۰): ۲۲۹-۲۴۲.
- پوردیپیمی، شهرام. ۱۳۹۱. شهر، مسکن، مجموعه‌ها. تهران: آرمانشهر.
- حائری، محمدرضا. ۱۳۷۵. معماری معاصر، معماری مدرن، ساختمان‌سازی. *مجله گفتگو* (۱۳): ۲۹-۳۵.
- حبیبی، محسن، و زهرا اهری (۱۳۶۷)، *مسکن حداقل*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- حجت، عیسی. ۱۳۸۱. حرفی از جنس زمان نگاهی نو به شیوه‌های آموزش معماری در ایران. *نشریه هنرهای زیبا* (۱۲): ۵۰-۵۸.
- حجت، عیسی، و آزاده آقالطیفی. ۱۳۸۹. تأملی در نقش مخاطب در کیفیت معماری امروز ایران. *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* (۴۲): ۲۵-۳۵.
- حسن‌پور، ناصر، و حسین سلطانزاده. ۱۳۹۵. عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه. *مجله باغ نظر* ۱۳ (۴۴): ۳۹-۵۲.

- خدایار، لادن. ۱۳۵۳. بررسی سیاست آپارتمان سازی در ایران. پایان نامه لیسانس. دانشگاه ملی ایران.
- دانشنامه ویکی پدیا. ۱۳۹۹. زیرمدخل «شهرستان لارستان». دسترسی در <https://fa.wikipedia.org/>. ۱۳۹۹/۶/۱.
- دشتی، مهران. ۱۳۷۹. فرهنگ غرب و معماری مسکن در ایران. mdashti@gm.de.
- رستم پور، کاوه. ۱۳۹۵. تبیین نقش تعامل مسکن و ویژگی های منطقه ای در هویت بخشی معماری مسکونی. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- زائری، قاسم. ۱۳۹۳. دیرینه شناسی بی حجابی در ایران. مجله زن در توسعه و سیاست ۱۲ (۲): ۱۵۳-۱۸۶.
- سلیمان زاده، سیما، و علیرضا فالاحی. ۱۳۹۷. بازخوانی بازسازی شهر لار پس از زلزله سال ۱۳۳۹. مجله مسکن و محیط روستا (۱۶۱): ۱۷-۳۲.
- صادق پی، ناهید. ۱۳۹۱. تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران. نشریه شهر و معماری بومی (۲): ۷-۲۴.
- طالبی، حامد، عیسی حجت، و محمد فرضیان. ۱۳۹۳. بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۹ (۱): ۲۳-۳۲.
- علیرزاده بیرجندی، زهرا، و اکرم ناصری. ۱۳۹۰. پیوندهای هنر و سیاست در عصر قاجار و پیامدهای آن. مجله باغ نظر ۱۳ (۴۲): ۶۷-۷۸.
- غروی الخوانساری، مریم. ۱۳۸۸. انعطاف پذیری اثر معماری: ریشه ها و آسیب ها در دوران معاصر. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی (۴۰): ۸۱-۹۰.
- فاضلی، نعمت الله. ۱۳۸۶. مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ۱ (۱): ۲۵-۶۳.
- قاسم زاده، مسعود. ۱۳۸۰. استانداردهای ابعادی مسکن (معیارها و ضوابط طراحی مسکن مناسب). تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- _____ . ۱۳۸۹. جایگاه پایه ای اتاق در طراحی مسکن. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی (۴۱): ۵-۱۶.
- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- معین، محمد. ۱۳۷۹. فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- میری نژاد، سهیل. ۱۳۹۲. رمانتیسیم در معماری معاصر ایران (با تأکید بر معماری دوره پهلوی دوم پس از سال ۱۳۳۳ شمسی). نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۸ (۱): ۹۱-۱۰۲.
- نامشخص. ۱۳۲۶. آبادان از نظر ساختمان و شهرسازی. مجله آرشیوتکت (۴): ۱۴۱-۱۴۵.
- Crinson, Mark. 2003. *Modern Architecture and the End of Empire*. Burlington, VT: Ashgate.
- Karimi, Z. Pamela. 2009. *Transitions in Domestic Architecture and Home Culture in Twentieth Century Iran*. PhD Thesies, History and Theory of Architecture, The Massachusetts Institute of Technology.
- Mahmoud, Randa A. 2016. Old Gourna: The complexity of vernacular architecture/urbanism and cultural heritage. *Procedia, Social and Behavioral Sciences* 225: 200-215.
- Najmabadi, Afsaneh. 2005. *Women with Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley: University of California at Berkeley.